



عزیزالله محمدی (امتدادجو)

می‌توان دید که در دوران اسارت چه‌ها که با او نکردند و چه شکنجه‌ها که نشده است و جالب این بوده که او که خود فرمانده بوده است؛ شکنجه می‌شده که خود را، یعنی فرمانده را، معرفی کند و تا به آن جایی که ندان‌های او را تک به تک بعد از عملیات مرصاد با انبردست می‌کشند و البته او موفق به فرار هم می‌شود. صبوری‌زاده درخسوخ لحظه ورود به حسینیه و موقع بازدید می‌گفت که به هنگام عبور از گیت بازرسی چند بار رد شدم که هر بار دستگاه گیت آلام داد و من مجبور شدم که بگویم تقصیر من نیست! بدمن پر از ترکش‌های دوران جنگ و پلانتین است که هنوز باقی هستند و لحظه‌ای لته‌های او را

بودند. علاوه بر آن تصویربرداری مراسم نیز حاوی یک نکته خاص بود که به نسبت تعداد زیاد حضور خانم‌ها، از تصویربرداران و عکاسان خانم بیشتری نیز استفاده شده بود. ردیفی از جانبازان نیز روی ویلچر نشسته بودند که با مهربانی به دیگران تلاش داشتند تا جای کسی برای نشستن تنگ نباشد و با دست نوازش بر سر جوان‌ها، مهر تاریخ دفاع مقدس را بر سر آنها می‌ریختند و موی سپید خود را گواه آن می‌کردند که برای پیروزی و برای عبور از سختی باید ایستاد و مقاومت کرد. به هر طریق ممکن در سمت چپ حسینیه گوشه‌های تصیم شده و بعد از عبور از کنار پیشکسوتان محترمی که به نرمی و آرامی

تاکنون در حسینیه امام خمینی(ره) دیده نشده بود و اولین بار بود که در طرفین محل جلوس رهبری از پرچم‌ها و نمادهای دفاع مقدس مضاف بر آیه قرآن و پرچم جمهوری اسلامی ایران و قاب عکس حضرت امام(ره) استفاده شده بود و پرچم‌های سرخ و سبز متضمن به نام مبارک آقا امام حسین(ع) و آقا ابوالفضل العباس(ع) و لاله الله جلوه‌ای حسینیه به دلیل پر بودن ظرفیت حسینیه گفتند تازه واردها می‌توانند در بیرون از حسینیه هم بنشینند.

چهارشنبه ۲۹ شهریور، صبح ساعت ۷ بر سر محل قرار حاضر شدیم. جمعی از خانواده شهدا و چند پیشکسوت دفاع مقدس نیروی چپ‌های سفید و سرپندی سرخ، مرتزین به نام حضرت مهدی(عج) به دست گرفتیم و وارد حسینیه شدیم.

قرارمان با چند هنرمند، نویسند و پیشکسوت دفاع مقدس بود. از چند روز پیش کار تشرف به محضر رهبر انقلاب و صدور کارت ملاقات را دادند با وجود اینکه چندین بار بود به محضر ایشان می‌رسیدم باز هم شوق و هیجان و شکر به درگاه الهی وجودم را سرشار کرده بود. توفیق بزرگی بود و من نمی‌توانم خشتی باشم. شاید مرتبه شکر این توفیق بتواند انعکاس حس و حال موجود در حسینیه امام خمینی(ره) و زائرین حضرت آقا باشد.

حاشیه‌نگاری از دیدار هنرمندان، نویسندگان و فعالان دفاع مقدس با رهبر انقلاب

همگرایی هنرمندان دلدادگی به رهبر

رجز آمیخته به مفاهیم ملی و دینی و ایمانی و انقلابی بود که با ترجیع بند «یا علی حیدر» فضا را به شدت حماسی و شورانگیز کرده بود و مشت‌ها گر کرده یکصدا چون ید واحد ندا سر می‌دادند: «یا علی از لب سردار نینفتد هرگز/ علم از دست علمدار نینفتد هرگز/ این خاک پاک حرمت دارد/ حفظ یک وجب از آن زحمت دارد/ نسل امروز مثل دپیروز/ روی دین و پرچمش غیرت دارد/ کم نشود از سر ما سایه لیبستگی/ راه ندارد به تن زخمی ما خستگی/ مومجیب که آسودگی ما عدم ماست/ جمهوری اسلامی ایران حرم ماست...»

دقایقی به همین منوال در حالی که همگان گرایش شدیدی به سمت جلو آمدن داشتند؛ با شعارهای بی‌دریپی سیری شد و حضرت آقا با اشاره دست از حاضرین خواستند که بنشینند تا برنامه شروع شود. قاری قرآن سید مصطفی حسینی، نفر برتر مسابقات مالزی با نوابی زیبا

دیدم که می‌شد فشار انبر دست متاقین در دهان او برای کشیدن دندان‌هایش را واقعا احساس کرد. ناصر آخوند قزی روحانی و امام جمعه اهل تسنن شهرستان «مراوه تاده» در گفت‌وگو با اطرافیان به‌ویژه با سرتیپ صبوری زاده



در ادامه، مجری برنامه که خود یک خانم بود خیر از سخنرانی ششش نفر از فرزندان نخبه شهدا داد که به ترتیب خانم دکتر زهرا بروزگر مطالبه حکمت بیان و اشتغال مسکن داشت. دکتر میثم صالحی با زبانی ساده و محاوره‌ای گفت: همه جوهر پای نظام و انقلاب و کشور هستیم و در مسیر رشد هیچ راهی جز فرهنگ دفاع مقدس نداریم و فرهنگ دفاع مقدس باید به مسئولین آموزش داده شود. خانم دکتر سمیه بروجرودی فرزند مسیح کردستان تصریح کرد که اگر جهاد دیروز شهدا با هدایت‌های امام به ثمر نشست امروز دختران ایران و فرزندان شهدا در خط مقدم مقابله با توطئه و مکر دشمنان هستند. سعید علامیان نویسنده و راوی و خبرنگار دفاع مقدس با ارجاع به ناظر بودن شهدا نظام جمهوری اسلامی را امتاتی دانست که در دست مسئولین ایران صورت است. خانم فرانک زوی پسرده بزرگ پشت سر حضرت آقا آیه «انا فتحنا لک فتحا میننا» نقش بسته بود که امیدها را در دل‌ها روشن نگه می‌داشت و همگان در آذهان خود تعبیر به قله رسیدن و مقاومت و پیروزی را، هم‌زمان

دارای پیام بود که اولاً، تقریباً نصف محیط مفید حسینیه را خانم‌ها در اختیار داشتند و دقیقاً به‌صورت پنجاه درصد می‌شد حضور خانم‌ها را تخمین زد که قریب به اکثریت نیز تخصصی بیمه‌بیماری عفونی زباززد و اخلاصش مثال‌زدنی است، همنشین و همکلام شدیم. سادگی کلام و اشتیاق او برای ملاقات رهبر شگفت‌انگیز بود و از سابقه انقلابی و مجاهدات اهالی زادگاه خود، روستای فیچنگی گفت که از مجموع جمعیتی حداکثر سه هزار نفره پنجاه نفر شهید تقدیم انقلاب و دفاع مقدس کرده‌اند.

نشسته بودند و بعضی‌ها هنوز لباس رزم را به تن داشتند و درجه‌ها را مزین به تجربه کرده بودند؛ نشستم و تمام هوش و حواسم به وقایع و اتفاقات داخل حسینیه بود تا مبادا مورد سوزهای از نظرم پنهان بماند و واقعیت این بود که در این لحظه‌ها به مهموقعت تصویربرداران و عکاسان که اختیار عمل داشتند غیبه می‌خوردم ودم می‌خواست بلند شوم و با تک تک حاضرین که هر کدام ندایی از حرف داشتند صحبت کنم و مگر می‌شود که این‌همه تجربه و خاطره و حرف را یک جا به دست آورد. با خود می‌گفتم حضرت آقا درست فرمودند که «دفاع مقدس گنجینه پایان‌ناپذیر است»

ادامه عملیات‌های پیشین بوده تا در مجموع پیروزی نهایی دوران دفاع مقدس حاصل شده؛ و همنشینی و کنار هم نشستن طیف‌های مختلف از روحانی تا هنرمند، از سردار تا سزوان، از امیر تا سرهنگ، از سپاهی و ارتشی تا نویسندگان و شعرا و راویان و... همه گویای آن بود که در این جا اصالت و هویت انقلابی و ایرانی و اسلامی فارغ از هر گونه گرایش و مذهب و قومیت مورد توجه است.

در دیوارهای طرفین حسینیه و انتهای آن، صندلی‌های تک‌نفره محل نشستن پیشکسوتان و جانبازان بود که همگی پر بودند اما مابین آنها چند عملیات محور مقاومت و مبارزه با داعشیم جهانی نیز مثل عملیات آزادسازی فوعه و کفرای نیز دیده می‌شد که این یعنی مبارزه و عملیات و مقاومت هنوز ادامه دارد و پیروزی نهایی زمانی است که سایه ظلم از صحنه هستی برچیده شود و در مکتب حق و امامت، صلح با نام آقا صاحب‌الزمان(عج) جاری باشد.



پرداخت و نقد پذیری و آزاداندیشی را لازمه رشد و توسعه در کنار دیپلماسی عزتمندانه و فرهنگ صلح برشمرد و در انتها حمید پارسا رزمنده دفاع مقدس خاطره‌ای تاثیرگذار از تاثیر پذیری قشر جوان در مواجه با حقیقت دفاع مقدس را بیان کرد و نتیجه گرفت که حاضرین را نیز بر انگیزند که این سردرد مقدمه‌ای شد برای رجزخوانی جمعی با نواب حسین طاهری.

گفت‌وگو و مشغول تثبیت محل نشستن بودند که ناگهان انتظارها به پایان رسید و آفتاب جمال رهبر انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای از پس پرده آبی‌رنگ طلوع کرد و شتابان همه حاضرین به پا خاستند و با اراده‌ای مستحکم مشت‌ها را گره کردند و رزسا صبوری‌زاده جانباز و آزاده دفاع مقدس رهبر آمده...خونی که در رگ ماست/ هدیه به رهبر ماست...

افتاد که عکس پدرش را به دست گرفته بود و توجه اطرافیان را به خود جلب کرده بود. پشت سرم و تکیه به دیوار دو روحانی (یکی هلالی، هوشیار و...) به اتفاق وارد شدند که رجزها را به خود جلب کردند و بعد از آن حسین طاهری با رخصت از بزرگ‌ترهایی مثل حاج منصور و پدرش در پشت میکروفون حاضرین را به تمرین رجزی دعوت کرد و باز هم خانم‌ها مقدم و موفق در ارائه تمرین رجز

در این صحنه‌ها همگی با عکس‌های شهدا و خانواده‌هایشان در دست می‌زدند و با صدای بلند می‌خواندند و شعار می‌دادند. خانم‌ها با عکس‌های شهدا و خانواده‌هایشان در دست می‌زدند و با صدای بلند می‌خواندند و شعار می‌دادند. خانم‌ها با عکس‌های شهدا و خانواده‌هایشان در دست می‌زدند و با صدای بلند می‌خواندند و شعار می‌دادند.

در این صحنه‌ها همگی با عکس‌های شهدا و خانواده‌هایشان در دست می‌زدند و با صدای بلند می‌خواندند و شعار می‌دادند. خانم‌ها با عکس‌های شهدا و خانواده‌هایشان در دست می‌زدند و با صدای بلند می‌خواندند و شعار می‌دادند.

پدافند هوایی ارتش هم که سوابق درخشانی در دوران دفاع مقدس داشتند به ما پیوستند. با یکی از پزشکان بنام و معتبر دوره کرونا، آقای دکتر امینیان‌فر که زحماتش در حوزه تخصصی بیمه‌بیماری عفونی زباززد و اخلاصش مثال‌زدنی است، همنشین و همکلام شدیم. سادگی کلام و اشتیاق او برای ملاقات رهبر شگفت‌انگیز بود و از سابقه انقلابی و مجاهدات اهالی زادگاه خود، روستای فیچنگی گفت که از مجموع جمعیتی حداکثر سه هزار نفره پنجاه نفر شهید تقدیم انقلاب و دفاع مقدس کرده‌اند.

آبوتوس خیابان‌های شهر را تا به خیابان جمهوری در ترافیک صبحگاهی از طی کرد و ما متعلق ممتوعه را در داخل آبوتوس گذاشتیم تا به هنگام ورود و خروج در صف واگذاری آنها به گیت، زمان را از دست ندهیم. به‌صورت گروهی خیابان فلسطین جنوبی را تا مقابل بیست رهبری پیاده‌روی کردیم و در حالی که برداشتمان این بود که به راحتی وارد بیت خواهیم شد، اما با صفی طولانی از مشتاقان و پیشکسوتان و معادین مختلف هنرمندان و نویسندگان و شعرا و مادحین و راویان و... روبرو شدیم که لاجرم باید برای ورود به محیط حسینیه امام خمینی(ره) در انتهای این صف می‌ایستادیم.

قرائت قرآن، بلافاصله گروه سرود نونهالان رسا که با لباس‌های بومی بختیاری و سیدعلی خامنه‌ای از پس پرده آبی‌رنگ طلوع کرد و شتابان همه حاضرین به پا خاستند و با اراده‌ای مستحکم مشت‌ها را گره کردند و فریاد زدند: این همه لشکر آمده، به عشق رهبر آمده...خونی که در رگ ماست/ هدیه به رهبر ماست...

گفت‌وگو و مشغول تثبیت محل نشستن بودند که ناگهان انتظارها به پایان رسید و آفتاب جمال رهبر انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای از پس پرده آبی‌رنگ طلوع کرد و شتابان همه حاضرین به پا خاستند و با اراده‌ای مستحکم مشت‌ها را گره کردند و فریاد زدند: این همه لشکر آمده، به عشق رهبر آمده...خونی که در رگ ماست/ هدیه به رهبر ماست...

افتاد که عکس پدرش را به دست گرفته بود و توجه اطرافیان را به خود جلب کرده بود. پشت سرم و تکیه به دیوار دو روحانی (یکی هلالی، هوشیار و...) به اتفاق وارد شدند که رجزها را به خود جلب کردند و بعد از آن حسین طاهری با رخصت از بزرگ‌ترهایی مثل حاج منصور و پدرش در پشت میکروفون حاضرین را به تمرین رجزی دعوت کرد و باز هم خانم‌ها مقدم و موفق در ارائه تمرین رجز

در این صحنه‌ها همگی با عکس‌های شهدا و خانواده‌هایشان در دست می‌زدند و با صدای بلند می‌خواندند و شعار می‌دادند. خانم‌ها با عکس‌های شهدا و خانواده‌هایشان در دست می‌زدند و با صدای بلند می‌خواندند و شعار می‌دادند.

در این صحنه‌ها همگی با عکس‌های شهدا و خانواده‌هایشان در دست می‌زدند و با صدای بلند می‌خواندند و شعار می‌دادند. خانم‌ها با عکس‌های شهدا و خانواده‌هایشان در دست می‌زدند و با صدای بلند می‌خواندند و شعار می‌دادند.

قریب به نیم ساعت و کمی بیشتر طول کشید تا به گیت اول بازرسی رسیدیم که کارت‌های دعوت با عکس و مشخصاتی که هر مدعو روی کارت داشت مورد بازرسی قرار می‌گرفت و من آخرین کتاب خود (سفر) را برای هدیه دادن به رهبر انقلاب به لحظه داشتیم که در همین نقطه توسط عوامل امنیتی و خدماتی گرفته شد و به مانند سایر افرادی که نامه یا هدیه‌ای داشتند در محلی خاص و مشخص گذاشتند و طبق اذعان آنها در فرصتی مناسب این هدایا و نامه‌ها به دست مبارک حضرت آقا خواهد رسید.

کفش‌ها را که به کفشداری تحویل دادیم؛ و شماره‌هایی که در بایست کردیم کاملاً مشخص شد که در رسیدیم و باید درانتها؛ حسینیه به نحوی برای خودمان جا پیدا کنیم؛ پیش از ورود، زائرین و حاضرین و مدعوین با شربت و کیک یزدی به‌صورت هیئتی پذیرایی می‌شدند و سپس با عبور از گیت‌های بازرسی بعدی وارد حسینیه شدیم.

دفاع مقدس بودند؛ سرتیپ بسیجی دکتر بهمن کارگر، رئیس بنیاد حفظ آبی و نشر ارزش‌های دفاع مقدس به ارائه گزارش از عملکرد مجموعه‌های خود پرداخت و از کم و کیف همین مراسم و سایر برنامه‌ها گفت؛ که افزایش موزه‌های دفاع مقدس از ۲۹ به ۳۷ یکی از خبرهای او در خلال ارائه گزارش بود. حضور سزنان نیروهای مسلح و آمیختگی رفتار صمیمی آنها (اعم از تش، سپاه و...) با جمع حاضر، ویژگی نمایان این مراسم بود که گاه هنرمندان را با مسئولین نظامی و با مداحان را با هنرمندان و نویسندگان و شاعران می‌شد دید و همین فرصتی بود تا با تنی چند از مسئولیتی که در طول سال تلاش داشتیم گفت‌وگو کنیم، ولی فرصت نمی‌شده؛ هم کلام شویم و قول گفت‌وگوهای اختصاصی از آنها را نیز بگیریم.

دفاع مقدس بودند؛ سرتیپ بسیجی دکتر بهمن کارگر، رئیس بنیاد حفظ آبی و نشر ارزش‌های دفاع مقدس به ارائه گزارش از عملکرد مجموعه‌های خود پرداخت و از کم و کیف همین مراسم و سایر برنامه‌ها گفت؛ که افزایش موزه‌های دفاع مقدس از ۲۹ به ۳۷ یکی از خبرهای او در خلال ارائه گزارش بود. حضور سزنان نیروهای مسلح و آمیختگی رفتار صمیمی آنها (اعم از تش، سپاه و...) با جمع حاضر، ویژگی نمایان این مراسم بود که گاه هنرمندان را با مسئولین نظامی و با مداحان را با هنرمندان و نویسندگان و شاعران می‌شد دید و همین فرصتی بود تا با تنی چند از مسئولیتی که در طول سال تلاش داشتیم گفت‌وگو کنیم، ولی فرصت نمی‌شده؛ هم کلام شویم و قول گفت‌وگوهای اختصاصی از آنها را نیز بگیریم.

دفاع مقدس بودند؛ سرتیپ بسیجی دکتر بهمن کارگر، رئیس بنیاد حفظ آبی و نشر ارزش‌های دفاع مقدس به ارائه گزارش از عملکرد مجموعه‌های خود پرداخت و از کم و کیف همین مراسم و سایر برنامه‌ها گفت؛ که افزایش موزه‌های دفاع مقدس از ۲۹ به ۳۷ یکی از خبرهای او در خلال ارائه گزارش بود. حضور سزنان نیروهای مسلح و آمیختگی رفتار صمیمی آنها (اعم از تش، سپاه و...) با جمع حاضر، ویژگی نمایان این مراسم بود که گاه هنرمندان را با مسئولین نظامی و با مداحان را با هنرمندان و نویسندگان و شاعران می‌شد دید و همین فرصتی بود تا با تنی چند از مسئولیتی که در طول سال تلاش داشتیم گفت‌وگو کنیم، ولی فرصت نمی‌شده؛ هم کلام شویم و قول گفت‌وگوهای اختصاصی از آنها را نیز بگیریم.

دفاع مقدس بودند؛ سرتیپ بسیجی دکتر بهمن کارگر، رئیس بنیاد حفظ آبی و نشر ارزش‌های دفاع مقدس به ارائه گزارش از عملکرد مجموعه‌های خود پرداخت و از کم و کیف همین مراسم و سایر برنامه‌ها گفت؛ که افزایش موزه‌های دفاع مقدس از ۲۹ به ۳۷ یکی از خبرهای او در خلال ارائه گزارش بود. حضور سزنان نیروهای مسلح و آمیختگی رفتار صمیمی آنها (اعم از تش، سپاه و...) با جمع حاضر، ویژگی نمایان این مراسم بود که گاه هنرمندان را با مسئولین نظامی و با مداحان را با هنرمندان و نویسندگان و شاعران می‌شد دید و همین فرصتی بود تا با تنی چند از مسئولیتی که در طول سال تلاش داشتیم گفت‌وگو کنیم، ولی فرصت نمی‌شده؛ هم کلام شویم و قول گفت‌وگوهای اختصاصی از آنها را نیز بگیریم.

دفاع مقدس بودند؛ سرتیپ بسیجی دکتر بهمن کارگر، رئیس بنیاد حفظ آبی و نشر ارزش‌های دفاع مقدس به ارائه گزارش از عملکرد مجموعه‌های خود پرداخت و از کم و کیف همین مراسم و سایر برنامه‌ها گفت؛ که افزایش موزه‌های دفاع مقدس از ۲۹ به ۳۷ یکی از خبرهای او در خلال ارائه گزارش بود. حضور سزنان نیروهای مسلح و آمیختگی رفتار صمیمی آنها (اعم از تش، سپاه و...) با جمع حاضر، ویژگی نمایان این مراسم بود که گاه هنرمندان را با مسئولین نظامی و با مداحان را با هنرمندان و نویسندگان و شاعران می‌شد دید و همین فرصتی بود تا با تنی چند از مسئولیتی که در طول سال تلاش داشتیم گفت‌وگو کنیم، ولی فرصت نمی‌شده؛ هم کلام شویم و قول گفت‌وگوهای اختصاصی از آنها را نیز بگیریم.

قریب به نیم ساعت و کمی بیشتر طول کشید تا به گیت اول بازرسی رسیدیم که کارت‌های دعوت با عکس و مشخصاتی که هر مدعو روی کارت داشت مورد بازرسی قرار می‌گرفت و من آخرین کتاب خود (سفر) را برای هدیه دادن به رهبر انقلاب به لحظه داشتیم که در همین نقطه توسط عوامل امنیتی و خدماتی گرفته شد و به مانند سایر افرادی که نامه یا هدیه‌ای داشتند در محلی خاص و مشخص گذاشتند و طبق اذعان آنها در فرصتی مناسب این هدایا و نامه‌ها به دست مبارک حضرت آقا خواهد رسید.

کفش‌ها را که به کفشداری تحویل دادیم؛ و شماره‌هایی که در بایست کردیم کاملاً مشخص شد که در رسیدیم و باید درانتها؛ حسینیه به نحوی برای خودمان جا پیدا کنیم؛ پیش از ورود، زائرین و حاضرین و مدعوین با شربت و کیک یزدی به‌صورت هیئتی پذیرایی می‌شدند و سپس با عبور از گیت‌های بازرسی بعدی وارد حسینیه شدیم.

دفاع مقدس بودند؛ سرتیپ بسیجی دکتر بهمن کارگر، رئیس بنیاد حفظ آبی و نشر ارزش‌های دفاع مقدس به ارائه گزارش از عملکرد مجموعه‌های خود پرداخت و از کم و کیف همین مراسم و سایر برنامه‌ها گفت؛ که افزایش موزه‌های دفاع مقدس از ۲۹ به ۳۷ یکی از خبرهای او در خلال ارائه گزارش بود. حضور سزنان نیروهای مسلح و آمیختگی رفتار صمیمی آنها (اعم از تش، سپاه و...) با جمع حاضر، ویژگی نمایان این مراسم بود که گاه هنرمندان را با مسئولین نظامی و با مداحان را با هنرمندان و نویسندگان و شاعران می‌شد دید و همین فرصتی بود تا با تنی چند از مسئولیتی که در طول سال تلاش داشتیم گفت‌وگو کنیم، ولی فرصت نمی‌شده؛ هم کلام شویم و قول گفت‌وگوهای اختصاصی از آنها را نیز بگیریم.

دفاع مقدس بودند؛ سرتیپ بسیجی دکتر بهمن کارگر، رئیس بنیاد حفظ آبی و نشر ارزش‌های دفاع مقدس به ارائه گزارش از عملکرد مجموعه‌های خود پرداخت و از کم و کیف همین مراسم و سایر برنامه‌ها گفت؛ که افزایش موزه‌های دفاع مقدس از ۲۹ به ۳۷ یکی از خبرهای او در خلال ارائه گزارش بود. حضور سزنان نیروهای مسلح و آمیختگی رفتار صمیمی آنها (اعم از تش، سپاه و...) با جمع حاضر، ویژگی نمایان این مراسم بود که گاه هنرمندان را با مسئولین نظامی و با مداحان را با هنرمندان و نویسندگان و شاعران می‌شد دید و همین فرصتی بود تا با تنی چند از مسئولیتی که در طول سال تلاش داشتیم گفت‌وگو کنیم، ولی فرصت نمی‌شده؛ هم کلام شویم و قول گفت‌وگوهای اختصاصی از آنها را نیز بگیریم.

دفاع مقدس بودند؛ سرتیپ بسیجی دکتر بهمن کارگر، رئیس بنیاد حفظ آبی و نشر ارزش‌های دفاع مقدس به ارائه گزارش از عملکرد مجموعه‌های خود پرداخت و از کم و کیف همین مراسم و سایر برنامه‌ها گفت؛ که افزایش موزه‌های دفاع مقدس از ۲۹ به ۳۷ یکی از خبرهای او در خلال ارائه گزارش بود. حضور سزنان نیروهای مسلح و آمیختگی رفتار صمیمی آنها (اعم از تش، سپاه و...) با جمع حاضر، ویژگی نمایان این مراسم بود که گاه هنرمندان را با مسئولین نظامی و با مداحان را با هنرمندان و نویسندگان و شاعران می‌شد دید و همین فرصتی بود تا با تنی چند از مسئولیتی که در طول سال تلاش داشتیم گفت‌وگو کنیم، ولی فرصت نمی‌شده؛ هم کلام شویم و قول گفت‌وگوهای اختصاصی از آنها را نیز بگیریم.

دفاع مقدس بودند؛ سرتیپ بسیجی دکتر بهمن کارگر، رئیس بنیاد حفظ آبی و نشر ارزش‌های دفاع مقدس به ارائه گزارش از عملکرد مجموعه‌های خود پرداخت و از کم و کیف همین مراسم و سایر برنامه‌ها گفت؛ که افزایش موزه‌های دفاع مقدس از ۲۹ به ۳۷ یکی از خبرهای او در خلال ارائه گزارش بود. حضور سزنان نیروهای مسلح و آمیختگی رفتار صمیمی آنها (اعم از تش، سپاه و...) با جمع حاضر، ویژگی نمایان این مراسم بود که گاه هنرمندان را با مسئولین نظامی و با مداحان را با هنرمندان و نویسندگان و شاعران می‌شد دید و همین فرصتی بود تا با تنی چند از مسئولیتی که در طول سال تلاش داشتیم گفت‌وگو کنیم، ولی فرصت نمی‌شده؛ هم کلام شویم و قول گفت‌وگوهای اختصاصی از آنها را نیز بگیریم.

دفاع مقدس بودند؛ سرتیپ بسیجی دکتر بهمن کارگر، رئیس بنیاد حفظ آبی و نشر ارزش‌های دفاع مقدس به ارائه گزارش از عملکرد مجموعه‌های خود پرداخت و از کم و کیف همین مراسم و سایر برنامه‌ها گفت؛ که افزایش موزه‌های دفاع مقدس از ۲۹ به ۳۷ یکی از خبرهای او در خلال ارائه گزارش بود. حضور سزنان نیروهای مسلح و آمیختگی رفتار صمیمی آنها (اعم از تش، سپاه و...) با جمع حاضر، ویژگی نمایان این مراسم بود که گاه هنرمندان را با مسئولین نظامی و با مداحان را با هنرمندان و نویسندگان و شاعران می‌شد دید و همین فرصتی بود تا با تنی چند از مسئولیتی که در طول سال تلاش داشتیم گفت‌وگو کنیم، ولی فرصت نمی‌شده؛ هم کلام شویم و قول گفت‌وگوهای اختصاصی از آنها را نیز بگیریم.

قریب به نیم ساعت و کمی بیشتر طول کشید تا به گیت اول بازرسی رسیدیم که کارت‌های دعوت با عکس و مشخصاتی که هر مدعو روی کارت داشت مورد بازرسی قرار می‌گرفت و من آخرین کتاب خود (سفر) را برای هدیه دادن به رهبر انقلاب به لحظه داشتیم که در همین نقطه توسط عوامل امنیتی و خدماتی گرفته شد و به مانند سایر افرادی که نامه یا هدیه‌ای داشتند در محلی خاص و مشخص گذاشتند و طبق اذعان آنها در فرصتی مناسب این هدایا و نامه‌ها به دست مبارک حضرت آقا خواهد رسید.

کفش‌ها را که به کفشداری تحویل دادیم؛ و شماره‌هایی که در بایست کردیم کاملاً مشخص شد که در رسیدیم و باید درانتها؛ حسینیه به نحوی برای خودمان جا پیدا کنیم؛ پیش از ورود، زائرین و حاضرین و مدعوین با شربت و کیک یزدی به‌صورت هیئتی پذیرایی می‌شدند و سپس با عبور از گیت‌های بازرسی بعدی وارد حسینیه شدیم.